

نظر
خواهی

پرزیسدنت جدید و تهران

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چه آثاری برای ایران خواهد داشت؟

عکس: EURONEWS

«انتخابات آمریکا به مردم آمریکا مربوط است، برای ما عمل مهم است. ما رفتارهای آمریکا را مدنظر قرار خواهیم داد و بر اساس آن ارزیابی خواهیم کرد. اما متأسفانه تاریخچه روابط دو کشور و برخورد آمریکا با ملت ایران نشان داده‌است که چندان تفاوتی بین دولت‌های مختلف وجود نداشت و رویکرد ضدایرانی و ضد ملت ایران متأسفانه کم و بیش در دولت‌های مختلف آمریکا وجود داشت.»

آنچه به نظر می‌رسد این است که در نهایت هیچ‌یک از دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نمی‌توانند یا تمایل ندارند که اثر مثبتی در بهبود روابط با ایران باقی بگذارند. تجربه چهار سال ریاست جمهوری جو بایدن نشان داده‌است که به‌رغم شعارهای انتخاباتی او در انتقاد از خروج دونالد ترامپ از برجام و اظهارات علنی اعضای دولتش مبنی بر شکست سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ، هیچ‌گام عمده‌ای برای بازگشت به برجام و اصلاح سیاست فشار حداکثری برداشته‌نشده. درباره چرایی شکست جو بایدن در بهبود روابط تهران و واشنگتن و احیای برجام، تحلیل‌های زیادی وجود دارد. توالی حوادث در چهار سال گذشته و همچنین برخی سوءمحاسبه‌ها در تهران و واشنگتن باعث شد تا امکان بهبود روابط دو کشور، بازگشت توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌های ثانویه ناممکن شود. نهایتاً بحران خاورمیانه و جنگ در غزه و لبنان باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در دو اردوگاه مقابل یکدیگر قرار بگیرند و به‌رغم تمایل هر دو طرف به کنترل تنش‌ها و اجتناب از جنگ، آتش تنش میان دو طرف روزه‌روز شعله‌ورتر شود. کاملاً هریس از جانب بسیاری از تحلیل‌گران آمریکایی به عنوان ادامه‌دهنده راه جو بایدن در سیاست خارجی شناخته می‌شود. هرچند برخی از اطرافیان هریس، از جمله فیلیپ گوردون، مشاور امنیت ملی معاون رئیس‌جمهور، به شدت منتقد عملکرد دو دهه اخیر آمریکا در خاورمیانه هستند و خروج آمریکا از برجام را یک اشتباه استراتژیک می‌دانند.

دونالد ترامپ با اظهار نظرهای متناقض و غیرقابل پیش‌بینی یک روز از برخورد سخت با ایران سخن می‌گوید و یک روز از تمایل به توافق فوری با تهران. در اردوگاه دموکرات‌ها هم آنچه به نظر می‌رسد استمرار سیاست دولت کنونی آمریکا در دولت احتمالی کاملاً هریس است. آنچه از سیاست احتمالی دو نامزد در قبال ایران می‌توان پیش‌بینی کرد، نه بر اساس شعارها و برنامه‌های ارائه‌شده در کارزار انتخاباتی بلکه بر مبنای پیشینه و خلقیات نامزدها و اطرافیان‌شان است. آنچه کار را برای تحلیل رویکرد این دو نامزد در قبال ایران اندکی ساده‌تر می‌کند، این است که هر دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال‌های اخیر صاحب‌منصب بوده‌اند، دونالد ترامپ تا چهار سال پیش رئیس‌جمهور آمریکا بود و کاملاً هریس در چهار سال گذشته معاون رئیس‌جمهور.

مقام‌های ایران از اظهار نظر در مورد ترجیح یکی از نامزدهای انتخابات آمریکا بر دیگری خودداری می‌کنند و در اظهار نظرهای رسمی تأکید می‌کنند که نتیجه انتخابات ایران تفاوت چندانی برای تهران ندارد و تنها عملکرد رئیس‌جمهور بعدی آمریکا است که برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته در پاسخ به سؤالی در مورد نتیجه انتخابات آمریکا گفت: «این موضوعی است که به خود مردم آمریکا مربوط است و برای ما هیچ فرقی نمی‌کند که کدام‌یک از این دو کاندیدا رای بیاورند و امیدوار هستیم هر کدام از این دو نفر که رای آورند و مورد پذیرش مردم آمریکا قرار گرفتند، سیاست‌های قبلی را اصلاح بکنند و به حاکمیت ملی بقیه کشورها احترام بگذارند و از اقدام‌های تنش‌آفرینی که در طول این سال‌ها شاهد بودیم پرهیز بکنند.» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم یک روز پیش از برگزاری انتخابات آمریکا در نشست خبری خود با خبرنگاران گفت:

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا امروز برگزار می‌شود تا شهروندان آمریکایی برای یک دوره چهارساله رئیس‌جمهور بعدی خود را انتخاب کنند. بعد از کنارگیری جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا از رقابت‌های انتخاباتی، امروز کاملاً هریس، معاون کنونی رئیس‌جمهور و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین در رقابتی تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند تا مشخص شود چه کسی از روز دوشنبه یکم بهمن‌ماه سال جاری ریاست حکومت را در آمریکا بر عهده خواهد گرفت. دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری در اغلب مسائل سیاست خارجی با یکدیگر اختلاف‌نظرهای عمیقی دارند. مسائلی مانند جنگ اوکراین، نحوه مواجهه با چین، ناتو، بحران خاورمیانه و بسیار مسائل دیگر از جمله نقاط اختلافی دو نامزد است. با این حال بسیاری از کارشناسان معتقدند که رای‌دهندگان آمریکایی توجه چندانی به موضوع‌گیری‌های نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در حوزه سیاست خارجی ندارند و عمدتاً براساس مطالبات خودشان در حوزه مسائل داخلی تصمیم‌گیری می‌کنند.

ایران در ۷ دهه گذشته همواره یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت‌های آمریکا بوده‌است، چه پیش از انقلاب به عنوان یک متحد قابل توجه در خاورمیانه و چه پس از انقلاب به عنوان یک تهدید و خصم نیازمند مهار. مانند بسیاری دیگر از مسائل سیاست خارجی دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برنامه مدون و مشخصی در مورد نحوه مواجهه با ایران در صورت انتخاب به عنوان رئیس‌جمهور ارائه ندادند. در جانب جمهوری خواهان



شهاب شهسوری

خبرنگار گروه دیپلماسی

نباید مسائل را سیاه و سفید ببینیم

اطلس و روابط سنتی با آمریکا خواهد گذاشت. در رابطه با اسرائیل به‌رغم اینکه اجماع دوحیزی در حمایت از اسرائیل سیاست رسمی واشنگتن است، ولی به دلیل تفاوت‌هایی در تاکتیک‌ها، ترامپ گزینه مطلوب تانیاهاوست. متأسفانه در ایران یک نگاه صفر و صدی یا سفیدوسیاه در مورد آمریکا حاکم است. ایران واشنگتن را شر مطلق تلقی می‌کند در حالی که در روابط بین‌الملل خیر و شر مطلق امری انتزاعی است. این نوع نگرش ما به بزرگترین قدرت اقتصادی و سیاسی جهان:

* راه‌های تعامل و استفاده از فرصت‌ها را مسدود می‌کند

* قدرت‌بازیگری و نقش‌آفرینی‌رقبای ما را افزایش می‌دهد

* با واقع‌بینی مبتنی بر ارجحیت منافع ملی بر مسائل دیگر تطابق ندارد

بنابراین اینکه کدام‌یک از این دو (هریس یا ترامپ) برای چهار سال آینده در منصب رئیس‌جمهور آمریکا قرار گیرند قطعاً تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برای ما وجود دارد. توجه داشته باشیم که آمریکا بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی

مسئله مهم برای رای‌دهندگان آمریکانه ایران است و نه حتی روسیه و چین. نزد بیش از ۸۰ درصد رای‌دهندگان وعده‌های کاندیداها در مورد اقتصاد، مالیات، سقط جنین، مهاجرین و... تعیین‌کننده رای به کاندیداهاست. با این وجود نتیجه انتخابات آمریکا نه‌تنها برای ایران بلکه برای همه جهان اهمیت داشته و تأثیر خواهد گذاشت. اروپا مهم‌ترین متحد آمریکا نگران روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ است. از نظر رهبران قاره سبز حضور ترامپ با توجه به سابقه چهار سال قبل او در کاخ سفید، تأثیرات ویرانگری بر مناسبات دو سوی اقیانوس



جاوید قربان اوغلی

سفیر پیشین ایران
در آفریقای جنوبی

دنیاست. هیچ‌کس مایل و قائل به کرنش در مقابل این قدرت نیست ولی به تعبیر زیبای ماهاتیر محمد: «شما با شاخ این گاو درگیر شده‌اید در حالی که ما به پستان آن چسبیده‌ایم.» به‌طور سنتی ایران رئیس‌جمهور دموکرات را ترجیح داده است. البته این بدان معنا نیست که اگر هریس رای بیاورد، شرایط برای ما کاملاً مطلوب می‌شود. با رئیس‌جمهور دموکرات فضای تنفس بیشتری برای ما باز می‌شود. طبق گفته مسئولان در حال حاضر می‌توانیم یک میلیون و نیم بشکه نفت بفروشیم، معنایش این است که زبان گفت‌وگوی بهتری با دموکرات‌ها داریم. اسرائیلی‌ها و جمهوری خواهان هم به این مسئله اعتراض می‌کنند که شما چشم‌هایتان را بسته‌اید و ایران دارد نفت صادر می‌کند.

مبارزات انتخاباتی در آمریکا معمولاً یک سال و نندی قبل از اولین سه‌شنبه نوامبر سال انتخابات کلید می‌خورد. کشورها براساس ترجیح‌شان که کدام‌یک از دو گزینه مطلوب آنهاست، لابیگری خود را براساس وزن و جایگاه خود شروع می‌کنند. در مورد ایران متأسفانه جنگ غزه سایه سنگین خود را بر سیاست خارجی ایران افکند و عملاً ما را آچمز کرد. تا جایی که اطلاع داریم، تصور نمی‌کنم از طرف ما اقدامی با هدف تاثیرگذاری (در حد خودمان و برای مرحله بعد از انتخاب) صورت گرفته‌باشد؛ چه از طریق افراد شاخص دور و بر کاندیدای حزب یا به صورت مستقیم یا با واسطه مذاکره‌ای صورت گرفته باشد. البته

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE
NATIONAL
INTERESTاحتیاط زیاد
اعراب خلیج فارس

قبل از حمله اسرائیل به ایران در آخر هفته گذشته که در واکنش به حمله موشکی اول اکتبر صورت گرفت، جمهوری اسلامی ایران به گروهی غیرمعمول از شرکایش یعنی دولت‌های عرب منطقه برای کاهش گستره حملات اسرائیل متوسل شد. ایران کشورهای حاشیه خلیج فارس و اردن را تهدید کرد که هرگونه تسهیل حمله اسرائیل به ایران به منزله اقدام جنگی تلقی خواهد شد. تهران امیدوار بود که این دولت‌ها از نفوذ خود در واشنگتن برای تقلیل سطح اقدام تلافی‌جویانه اسرائیل استفاده کنند. این اقدام جواب داد. اسرائیل نه‌تنها محدوده حمله خود علیه ایران را کاهش داد بلکه از استفاده از حریم هوایی کشورهای حاشیه خلیج فارس و اردن خودداری نمود. این واقعیت که همسایگان ایران با دولت بایدن و کنگره برای جلوگیری از یک حمله گسترده به مراکز نظامی، هسته‌ای یا زیرساخت‌های انرژی ایران لابی کرده‌اند، نتیجه مستقیم شکست آمریکا در حمایت از شرکای عرب خود در منطقه است. ترس کشورهای منطقه از اقدامات تلافی‌جویانه ایران بابت کمک به ایالات متحده و اسرائیل، پس از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ چیز جدیدی نیست. پس از حملات به نیروهای آمریکایی در عراق، سوریه و اردن، امارات شروع به «محدود ساختن فزاینده» اقدامات ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌هایش در این کشور برای حمله به نیروهای نیابتی ایران از جمله آنهایی نمود که قبلاً به امارات حمله کرده بودند. پس از حمله بالستیک ماه آوریل ایران به اسرائیل، نشریه میدل ایست‌ای گزارش داد که کشورهای حاشیه خلیج فارس به آمریکا در خصوص استفاده از پایگاه‌هایش در این کشورها برای حمله به ایران هشدار داده و حتی اقدام به «جلوگیری از پرواز جنگنده‌های آمریکایی از حریم هوایی خود نموده‌اند.» این در حالی است که تنها در امارات و عربستان بیش از ۶ هزار نیروی آمریکایی حضور دارند. اکنون کشورهای حاشیه خلیج فارس بار دیگر به واشنگتن می‌گویند که از پایگاه‌های مستقر در این کشورها برای اقدام تهاجمی علیه ایران استفاده نکند. شرکای آمریکا در منطقه همواره ناگزیر بوده‌اند نیز خود برای حمایت‌های دفاعی آمریکا را با تهدیدات داخلی و خارجی ناشی از همسوسی‌شان با آمریکا متعادل سازند. در سال ۲۰۲۳ مرکز فرماندهی آمریکا به دلیل درخواست ریاض و در پی انتقادات داخلی در عربستان بر سر جنگ عراق، مقر عملیات‌های هوایی منطقه‌ای خود را از عربستان به قطر منتقل نمود. اکنون و پس از اقدام تلافی‌جویانه اسرائیل علیه ایران که با چراغ سبز آمریکا صورت گرفته، وزارت امور خارجه عربستان این حمله را به عنوان «نقض حاکمیت (ایران)» محکوم کرده است. رهبران عربستان و امارات در نتیجه بی‌عملی آمریکا تأمین امنیت خود را در جایی دیگر و از جمله در تعامل مستقیم با ایران جست‌وجوی می‌کنند. امارات و چین پس از برگزاری یک رزمایش هوایی مشترک در سال گذشته اخیراً از تمایل خود برای افزایش همکاری‌های امنیتی سخن گفته‌اند. مدت کوتاهی پس از سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان، ایران و عربستان با وساطت چین روابط عادی خود را از سر گرفتند. اکنون نیز هر دو کشور (امارات و عربستان) به سختی تلاش می‌کنند که بی‌طرفی خود را در تقابل بین اسرائیل و ایران به تهران ثابت نمایند. آیا چین قرار است در برابر تهدیدات ایران از کشورهای منطقه دفاع کند؟ نه. آیا ایران قرار است در حمله به عربستان از طریق حوثی‌ها یا نیروهای نیابتی شیعی اش کمک کند؟ نه. رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز آنقدر ساده‌لوح نیستند که باور کنند اقدامات اخیرشان در نهایت از آنها حفاظت خواهد نمود. اما آنها گزینه چندانی پیش روی خود نمی‌بینند. نه امارات و نه عربستان یا اردن باور ندارند که ایالات متحده از آنها دفاع خواهد کرد یا به حملات احتمالی ایران پاسخ خواهد گفت. زمان آن رسیده که واشنگتن از خواب غفلت بیدار شود و با واقعیت روابط خود با منطقه خلیج فارس مواجه گردد. در سال ۲۰۲۲، رابرت جردن سفیر سابق آمریکا در عربستان، روابط آمریکا و عربستان را «یک قطار قراضه کند» توصیف کرد. با گذشت دو سال همچنان حق با اوست. شرکای آمریکا در خاورمیانه باید آنچنان از امنیت خود مطمئن باشند که به تهدیدات ایران بخندند نه اینکه ناگزیر شوند از سوی حکومت ایران با واشنگتن لابی کنند و گزینه‌های نظامی ایالات متحده علیه یک دشمن مشترک را محدود سازند.